



بازرسی شد  
۳۶ - ۳۷

۷۵۵۶ - مخ

کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: شرح مخبر مخبر مخبر -

مؤلف: عباس علی پسر مخبر

موضوع: ...

شماره ثبت کتاب: ۷۶۴۵۹  
۵۹۱۳

شماره قفسه: ۲۱۴۵

۳۴۲۸

بازدید شد  
۱۳۸۲

شماره قفسه: ۲۱۴۲



در وقتیکه ای که بود  
بغیر از آنکه در میان دو  
جانب توین و در میان دو  
جانب توین و در میان دو

4007

فلسفی و تفرست شد.

۳۱۲۲





کتاب اول در نفع اول از مقدمه

[illegible]

اولی وانی

پس اینجاء که ایضا  
عبدالله بن یوسف بن  
الافضل و صاحب

[illegible]

در تعریف علم نحو

اربع و خمسون و ضمیمه ۵۰ است که در این مضامین بعد از شرح که آن قصیده و در مدح

ابن خلدون

[illegible]

مجلس

























کتاب اول از نوع اول

[illegible]

در تفریق حرف

[illegible]



کتاب اول از نوع اول

[illegible]

از تعرف عرف

[illegible]

کتاب اول از نوع اول

[illegible]

در تفریف حروف

[illegible]





















































کتاب اول از نوع اوک

[illegible]

مَجْتَبِىُّ الْبَاءِ الَّتِى لِلزَّيَادَةِ

[illegible]











کتاب اول از نوع اول

[illegible]

مَجْمَعُ الْبَدَائِلِ لِلزَّيَادَةِ

[illegible]











غير لفظ الله اخبر بنوع اول قول الله في قوله تعالى  
 اجبت عنكم لكونكم من قبله ان تدينوا به يومئذ ولما كان  
 الثاني من تلك الحروف التي هي الحروف المتعدي  
 والافعال والاضمار والاضافة  
 غير لفظ الله اخبر بنوع اول قول الله في قوله تعالى  
 اجبت عنكم لكونكم من قبله ان تدينوا به يومئذ ولما كان  
 الثاني من تلك الحروف التي هي الحروف المتعدي  
 والافعال والاضمار والاضافة  
 غير لفظ الله اخبر بنوع اول قول الله في قوله تعالى  
 اجبت عنكم لكونكم من قبله ان تدينوا به يومئذ ولما كان  
 الثاني من تلك الحروف التي هي الحروف المتعدي  
 والافعال والاضمار والاضافة

مبحث  
 الحروف المتعدي  
 الثاني من تلك  
 الحروف التي هي  
 الحروف المتعدي  
 والافعال والاضمار  
 والاضافة

بعد از این که از این دو طرف از این است و در بعضی قول الله في قوله تعالى  
 اجبت عنكم لكونكم من قبله ان تدينوا به يومئذ ولما كان  
 الثاني من تلك الحروف التي هي الحروف المتعدي  
 والافعال والاضمار والاضافة  
 غير لفظ الله اخبر بنوع اول قول الله في قوله تعالى  
 اجبت عنكم لكونكم من قبله ان تدينوا به يومئذ ولما كان  
 الثاني من تلك الحروف التي هي الحروف المتعدي  
 والافعال والاضمار والاضافة  
 غير لفظ الله اخبر بنوع اول قول الله في قوله تعالى  
 اجبت عنكم لكونكم من قبله ان تدينوا به يومئذ ولما كان  
 الثاني من تلك الحروف التي هي الحروف المتعدي  
 والافعال والاضمار والاضافة

مبحث الحروف المتعدي



























عجل الله فرجه

يُخَيَّرُ جَاءَ وَدَخَلَ فِي بَيْتِهِ فَلَا يَكُنْ الْاُخَيْرُ يَتَبَيَّنُ

يعني رسم که او بکارش برسان حضرت که مراد حضرت امام زین العابدین علی بن حسین  
علیه السلام است بعد از آنکه در آن حضرت است و چشم بر او گذاشته و شهادت داده است  
و از کار آن حضرت صلوة الله علیه پس این را که گویند من کنی کون ای آن حضرت ندانم  
مگر در آن که شهادت داده و رسم قلم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام  
و فایده این که گویند چشم بر او گذاشته است سبط الاوی بن الدوق  
فوقه و الله اعلم بالصواب  
یعنی است این نامه که که بعد از او چون حضرت و من را که در آنجا که بگوید  
تا که در میان دوق و قلم پس موضع پس معارف بر طرف شده است علامت  
آن که آنجا که آن جناب خبر که خلف و پادشاه و زنده است از طرف طول و عرض و  
که از آنجا خبر و پادشاهان هر چه در آنجا که از آنجا که تعلیل است از آنجا که حسیب  
در آنجا که معارف و این در آنجا که در آنجا که تعلیل و عدل است او حجتی و حق است  
در مقام او مثل قول شترین بنی ربيع که علی بن حشیر العنبر است که شتر  
و سخن ضیاء الورد با حشیر بنی ربيع فلا ضیاء الورد با حشیر بنی ربيع  
و اما ما الضیاء الکبیر صریح علی بن حشیر بنی ربيع علی بن حشیر بنی ربيع

مؤلف

کتاب  
نوع اول

عجل الله فرجه

یعنی نویسم زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
ضرب بر او که بر او که یکنون و زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
تصل شدن او با کتف و این کتف این را که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
لکه اند این معنی که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
تبع و این که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
در آنجا که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
بشد مثل قلم و اصلاح و این که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
الطیب بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
و نیز در آنجا که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
لکه است این معنی که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
فصل است و معنی صفت است که در آنجا که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
تبع و این که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
اکنون الجرمین القول و یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
از آنجا که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون  
معنی با و مثل قلم و این که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون زود و شتر بنی ربيع که یکنون

کتاب  
نوع اول

کتاب  
نوع اول















کتاب قول از نوع اول

۱۲

مجلس شورای ملی

شده است که یکدیگر را از یکدیگر جدا نموده و هر یک را در یک کلام جدا کرده اند پس  
 با هم نمی خوانند و این طبع است که هر کس که در این کتاب است هر کس که در این کتاب است  
 در قول است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 این است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 در کلام است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 نیست که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 این است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 اولی که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 مثل اولی که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 مانوی که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 فایده که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 هلی که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 منفرد است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 جدا است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 پس در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است

جایی خوانند

مبحث المثلثی که در این کتاب است

۱۳

مجلس شورای ملی

جایی غیر از این است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 در کلام است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 بعد از آنکه در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 پس از آنکه در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 لازم است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است

و کلاماً فی المثلثی که در این کتاب است

بیش از کلام است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 پس از کلام است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است

هکذا بعد از کلام است که در این کتاب است

بیش از کلام است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 عامل است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 زیرا که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و کلاماً فی المثلثی که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 نیز در کلام است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است



























مجلس الکتاب فی تاریخ

کتاب اول از تاریخ اقل

بر آنکه چنانچه در کتب دیگر می آید از بعضی آیه های تفسیر که در بعضی  
و تبیین آنها تبصیر می دهد و آنرا در این کتاب و تفسیر کلام است  
از بعضی کتب که در بعضی از اینها از بعضی کتب دیگر که در بعضی  
معروف است و از بعضی کتب دیگر که در بعضی از اینها از بعضی کتب دیگر  
ابو محمد بنی است و معروف به این کتاب و طبع از صدق و حسن است  
در تفسیر این کتاب و این کتاب است و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
را جمع است و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
معرفی است و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
مکتوب است و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
بسیار بدان است و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
خواننده بود و چنانچه در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی

انالله

مجلس الکتاب فی تاریخ

مجلس الکتاب فی تاریخ

آنکه لی و معنیان احدهما لا یشاء الفایده فی المکان حرفی از حرف  
جاءه الا که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
از بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
حضرت امیر المومنین علیه السلام می فرماید که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
مرست است و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
شخصه است و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
و در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
نار آمدن از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
بأن تطلعت کتبه کان را حط و از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی  
که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
بسیار که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
همه که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
از بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر  
بر دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر که در بعضی از کتب دیگر





کتاب ادل از نوع ادلی

عبد الفاضل بن محمد و در این موقوفه ذوق المازع را نهادند و مکان آن بنام

الى بلدك ما اشد من محارب  
ابوه ولا كانت طيبا صامرا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم آية في الدنيا والآخرة

و در او نوبت و در غایت بهر الثاني یعنی مع و هو قبل هم از جمله الامتیه غیر غیر است

مَنْ رَضِيَ بِهِ فَكُنْ بِهٖ اِيَّا بَعْزِ اَنْدَكَ لَمْ يَدْرِ اَنْ يَرْتَدَّ اِلَّا تَقَالُ اَمْوَالُهُمْ اِلَى اَمْوَالِهِمْ

میرزا حسن خان قزوینی را، این نعمت بخورید و الله تعالی بفرستد امرای اموالکم و نیز کفایت مراغبتهن انصاری

إِلَى اللَّهِ أَرْسِلْهُمْ قُلْ أَمْرًا فَتُحْكَمُ مِنْكُمْ وَيَكُنُّ لِلَّهِ الشَّكَاوَةُ

وَادْجُزْ اِلَى شَيْءٍ يَنْفَعُكُمْ اَوْ يَضُرُّكُمْ اَوْ يَنْفَعُ اٰلَافًا مِنْكُمْ اَوْ يَضُرُّهُمْ اَوْ يَنْفَعُ اَلْاَرْضَ كُلَّهَا اَوْ يَضُرُّهَا اَوْ يَنْفَعُ اَلْاَرْضَ كُلَّهَا اَوْ يَضُرُّهَا

دار محمد بن عبد الله بن عبد الوهاب

وكتبه في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٤ هـ في مدينة القاهرة

موت است در لفظ لغوی و اصل از این است که غیر از این بود و در این غیر از این

و این نامه را به دست خود بنویسید و در هر روز بخواند که از او بیرون آید

وَابُو الْهَارِثِ رَوَى فِيهِ نَحْوَ ثَلَاثِينَ مِثْقَالًا مِنْ بَرِّهِ

وہم کہ یہ ہیں رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم و آلہ و صحبہ وسلم

دوقولم

دستور



دوره اول از اخبار الحاقه از بنی یغیغ نصرته المائیه یا من نصرته المائیه ذابج المائیه و در آن

در اینجا میفرماید که اولاً باینکه این است

قَالَ لَا يَأْمُرُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا بِأَمْرٍ إِذْ يَؤْتِيهِمْ أَمْرٌ مِّنْ لَّدُنِّي يَسْعَى

تَجَبُّوْهُ فَاَقْوُوْهُ كَمَا ذَكَرْتُ  
نِعَامًا تَقْصُ وَلَا تُزِيْدُ

بغير عاينه از زلف دولت در هر چه که اين گويي تراست از آن مهرباني که تو را ملاحظه

آن کبریا است پس پس بود مرا که بحسب گفته جان شریک درایم گفته بود و در و نه عدد نه کم

نمایند و از این قرار عمر آن لبور است که از او مرگ است نصف است و شش بعید و نصف آن مرگ است

و این قسمت خود را باید بگوشه‌ای صاف در گوشه‌ای از اتاق و در آنجا که آفتاب به آن نرسد

و مغیرین بجز کہ مضامین الہامی است و در مغیرین عبارتست کہ لفظ حق الزاریع مال

و الله اعلم ما لا نرى من غيب ان است له عصم بعد شرب نبيذ ابو سريته

درین مقام بود که در روز بعد از آنکه این عظام

مع نمرود والارام بنصر من سره به ابراهيم مال الله ربح اول سره است و ابراهيم

مصر حین جمعہ ۲۰۰۰

لبنان ۱۸۵۰











